



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: جانشینی امارات و اصول عملیه از قطع
موضوع جزئی: مقتضای تحقیق - مقام ثبوت - ۴. توجیه کلام شیخ انصاری در حاشیه و مصادف با: ۵ ربیع الثانی ۱۴۴۵
رد آن در کفایه - بررسی کلام محقق خراسانی - کلام محقق اصفهانی
سال پانزدهم
جلسه: ۱۳

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مقتضای تحقیق در مسئله

بحث در جانشینی امارات و اصول عملیه از قطع بود. کلام محقق خراسانی را نقل کردیم؛ ایشان چهار مطلب را در این مقام فرمودند؛ در بررسی سخن محقق خراسانی عرض کردیم باید بین مقام ثبوت و مقام اثبات تفکیک کرد. در مقام ثبوت سه ادعای ایشان را بررسی کردیم؛

یکی اینکه امارات و اصول عملیه جانشین قطع طریقی می‌شوند.

دوم اینکه امارات و اصول عملیه جانشین قطع موضوعی صفتی نمی‌شوند.

در این دو ادعا با محقق خراسانی موافقت کردیم و دلیل آن را نیز بیان کردیم.

ادعای سوم محقق خراسانی این بود که امارات و اصول عملیه جانشین قطع موضوعی طریقی نمی‌شوند. ایشان اشکال کردند به شیخ انصاری و ادعا کردند اگر بخواهد امارات و اصول عملیه جانشین قطع موضوعی طریقی بشود، لازمه‌اش جمع بین دو لحاظ آلی و استقلالی است و این محال است.

این را بررسی کردیم و پاسخ دادیم و نتیجه این شد که امارات جانشین قطع موضوعی طریقی می‌شوند. اصول عملیه نیز می‌تواند جانشین بشوند.

۴. توجیه کلام شیخ انصاری در حاشیه و رد آن در کفایه

مطلب چهارم این بود که محقق خراسانی از آن توجیهی که برای کلام شیخ انصاری در حاشیه رسائل ذکر کردند، عدول کردند. آن توجیه را قبلاً بیان کردیم که مدعای شیخ انصاری تصحیح شود لکن امروز از آن توجیه عدول می‌کنند.

ما خیلی خلاصه هم مطلب شیخ انصاری و هم توجیه محقق خراسانی در حاشیه رسائل و هم مطلبی که در کفایه در رد آن توجیه بیان شده است و هم حق در مسئله را بیان کنیم. چون آن سه مورد را قبلاً گفتیم جهت یادآوری بیان می‌کنم.

توجیه کلام شیخ در حاشیه

شیخ انصاری می‌فرماید: امارات و اصول عملیه جانشین قطع موضوعی طریقی می‌شوند و هیچ محذور و مشکلی پیش نمی‌آید.

مرحوم آخوند به گونه‌ای این فرمایش شیخ انصاری را توجیه کردند و گفتند بله، می‌توانیم از راه مدلول مطابقی و مدلول التزامی این مسئله را درست کنیم. بگوییم دلیل حجیت خبر عادل یک مدلول مطابقی دارد. مدلول مطابقی آن عبارت است از اینکه خبر واحد را نازل منزله واقع قرار می‌دهد. یک مدلول التزامی نیز دارد، مدلول التزامی این است که اماره را جانشین قطع قرار می‌دهد و چون

مدلول التزامی در واقع لازمه عرفی مدلول مطابقی است و مترتب بر آن است، دیگر لازم نیست متکلم در ذهنش آن را لحاظ کند. به بیان دیگر اجتماع دو لحاظ اینجا پیش نمی‌آید، «صدق العادل» عادل را تصدیق کن؛ یعنی آن احتمال خلاف را در سخن او نادیده بگیر، یعنی خبر واحد عادل را نازل منزله واقع قرار بده، کأنه واقع برایت بیان می‌شود؛ متکلم فقط این را لحاظ کرده، اما این یک مدلول التزامی عرفی دارد که لازم نیست متکلم آن را لحاظ کند، آن خود به خود می‌آید؛ آن مدلول التزامی این است که اماره جانشین قطع است زیرا خود به خود می‌آید. این توجیهی بود که در حاشیه رسائل بیان شد.

رد توجیه در کفایه

ایشان در کفایه می‌فرماید: این توجیه ناکافی است و مشکل را حل نمی‌کند. زیرا به هر حال مدلول مطابقی متوقف بر مدلول التزامی و مدلول التزامی متوقف بر مدلول مطابقی است. دور اینجا وجود دارد. زیرا قطع موضوعی طریقی معنایش این است که موضوع حکم شرعی دو جزء دارد: ۱. خود واقع؛ ۲. قطع به واقع؛ «إذا قطعت بوجوب صلوة الجمعة، یجب علیک صلوة الجمعة» موضوع مرکب از دو جزء است، یکی واقع وجوب نماز جمعه است و یکی قطع و یقین به آن. بالاخره این دو جزء باید باشند.

حال از آنجا که هر حکم شرعی تا موضوعش محرز نشود حکم بار نمی‌شود پس باید این موضوع به هر دو جزئش احراز شود. جایی که موضوع دو جزئی است هر دو باید احراز شود. اینجا دو جزء داریم یکی واقع و یکی قطع. منظور از واقع چیست؟ یعنی حقیقت و واقعیت وجوب نماز جمعه. دلیل «صدق العادل» که می‌آید، مدلول مطابقی آن این است که این واقع است و لذا جزء اول موضوع با همان دلیل حجیت خبر واحد احراز می‌شود ولی دلیلی که جزء اول را احراز می‌کند در صورتی مؤثر است و لغو نیست که متأخر از تعبد و دلیل دیگر باشد. زیرا وقتی پای دو جزء در میان است جزء اول به تنهایی فایده‌ای ندارد، حکم در صورتی می‌آید که هر دو جزء باشد. پس لغو نبودن دلیلی که این جزء را احراز می‌کند، در صورتی است که آن جزء دیگر احراز شود که این بعد از ضمیمه به آن اثر بگذارد. از طرف دیگر آن جزء دیگر یعنی قطع به واقع با مدلول التزامی درست می‌شود که عبارت است از جانشین کردن اماره نسبت به قطع، حال فرض کنیم همین دلیل موجب می‌شود ما ظن معتبر به وجوب نماز جمعه پیدا کنیم. پس ظن به وجوب نماز جمعه در صورتی محقق می‌شود که خود نماز جمعه واجب شود. پس مدلول التزامی متوقف شد بر مدلول مطابقی. این حرف محقق خراسانی است که در هر صورت مدلول مطابقی متوقف بر مدلول التزامی است و مدلول التزامی متوقف بر مدلول مطابقی است.

خلاصه آن که مدلول مطابقی مبین این جهت است که آنچه به خبر واحد ثابت می‌شود، مثل واقع است، نازل منزله واقع می‌شود، آنچه که با مدلول التزامی ثابت می‌شود نیز عبارت است از اینکه مفاد اماره یا خود اماره جانشین قطع است. در صورتی جزء اول احراز می‌شود که جزء دوم باشد و اگر جزء دوم نباشد بودن جزء اول لغو است. پس احراز جزء اول که از طریق تعبد به دلیل اماره حاصل شد، یعنی همان مدلول مطابقی متوقف است بر احراز جزء دوم، یعنی جانشینی نسبت به قطع، یعنی همان مدلول التزامی. عکسش نیز همینطور است. احراز جزء دوم متوقف است بر احراز جزء اول، به این معنا که تا جزء اول نباشد جزء دوم لغو است. او باید باشد تا آن به این ضمیمه شود و این موضوع مرکب شکل بگیرد.

پس مشکل از دید محقق خراسانی این است که اگر بخواهد احراز جزء اول لغو نباشد باید جزء دوم محقق شده باشد. احراز جزء دوم نیز اگر بخواهد لغو نباشد باید جزء اول محقق شده باشد. احراز جزء اول و دوم از راه همان مدلول التزامی و مطابقی است و این یعنی دور.

بررسی کلام محقق خراسانی

به نظر می‌رسد یک مشکلی اصلی در این بیان محقق خراسانی وجود دارد و ما با ایشان موافق نیستیم.

ایشان به چه دلیل ادعا می‌کند برای اینکه یک تعبدی، یک دلیلی که بناست یک جزئی از موضوع را احراز کند، برای آنکه لغو نباشد باید جزء دیگر موضوع محقق شده باشد. به عبارت دیگر فعلیت پیدا کرده باشد. ما می‌گوییم یک قضیه‌ای داریم که یک موضوع و یک محمول دارد. محمول آن یک حکم شرعی است، و خوب نماز جمعه که حکم است؛ موضوعش نیز مرکب از دو جزء است، یکی ظن به نماز جمعه که جای قطع است، یک ظن معتبر، خبر واحد زراره گفته است که نماز جمعه واجب است؛ خبر واحد زراره مثل این است که برای ما واقع را آشکار کرده. معنای حجیت خبر واحد ثقة این است. حال یک جزء با دلیل حجیت خبر واحد محقق می‌شود، موضوع ما دو جزء داشت، یکی اینکه شما واقع را بفهمی و دوم اینکه اماره را جانشین قطع قرار بدهی؛ با آن بیانی که گفتیم یک جزء محقق شده است ولی احراز جزء اول به این معناست که اگر جزء دوم نیز کنارش بیاید موضوع محقق است. لازم نیست که جزء دوم فعلیت پیدا کرده باشد. در هر موضوع مرکب اینچنین است که اگر یک جزء محقق شد یعنی زمینه آماده شده است و چنانچه جزء دیگر محقق شود آنگاه حکم بار می‌شود.

حال اینجا یکی از دو جزء اصل و خوب نماز جمعه است که با خبر زراره ظن معتبر پیدا می‌شود که در لوح محفوظ نماز جمعه واجب است. این به جای خود.

حال آن جزء دوم چگونه احراز می‌شود؟ جزء دوم همان چیزی بود که از مدلول التزامی دلیل حجیت خبر ثقة استفاده کردیم و آن این است که اماره جانشین قطع می‌شود. برای احراز جزء اول فقط دلیلی که خبر واحد ثقة را حجت کند کافی است، می‌گوید هرچه زراره گفت حجت است، حال اینجا زراره گفت نماز جمعه حجت است، پس واقع برای ما تعبداً محرز شده است به خلاف یقین که احرازش وجدانی است. این به جای خود، اما برای اینکه این اثر داشته باشد، لغو نباشد آیا باید همان موقع جزء دوم نیز فعلیت پیدا کرده باشد و احراز شده باشد؟ ما می‌گوییم این جزء اگر چنانچه جزء دیگر به آن ضمیمه شد نتیجه‌اش آن حکم شرعی است. برای خروج از لغویت دلیل محرز جزء اول همین که زمینه تأثیر وجود داشته باشد کافی است. لازم نیست که اثر آن فعلی باشد، همین که زمینه وجود داشته باشد کفایت می‌کند، ما با دلیل حجیت خبر، زمینه را فراهم کردیم، و خوب نماز جمعه به حسب واقع با خبر زراره محقق شد، تعبداً و لذا دیگر لغویتی نیست. حال می‌آییم سراغ جزء دوم، اینکه اماره جانشین قطع شود، این را با مدلول التزامی ثابت می‌کنیم، مدلول التزامی نیز جزء دوم را احراز می‌کند یعنی جانشینی از قطع را. پس اینجا مدلول مطابقی متوقف بر مدلول التزامی نیست. بله مدلول التزامی متوقف بر مدلول مطابقی هست ولی عکسش نیست. اینجا هر جزئی که ثابت شد، یعنی جزء اول، مدلول مطابقی دلیل حجیت الاماره متوقف بر این نیست که آن تعبد دوم ثابت شود. این مؤدی را نازل منزله واقع قرار داده است و کافی است.

بله، مدلول التزامی متأخر از مدلول مطابقی است، آن چیزی که با مدلول التزامی احراز می‌شود، یک احراز تبعیدی است. آن متوقف است بر احراز جزء اول ولی عکسش ثابت نیست.

فتحصل مما ذکرنا کله اینکه دوری وجود ندارد و آن توجیهی که محقق خراسانی کردند می‌تواند محذور را برطرف کند و می‌تواند کلام شیخ انصاری را توجیه کند. بنابراین ما در مطلب چهارم و ادعای چهارم نیز با محقق خراسانی موافق نیستیم. از این چهار ادعا دو ادعا را با ایشان موافقت کردیم و دو ادعا را با ایشان موافقت نکردیم.

کلام محقق اصفهانی

به طور کلی آنچه که به عنوان مدلول التزامی در کلام محقق خراسانی در حاشیه رسائل ذکر شد به این معنا که «صدق العادل» و دلیل حجیت خبر ثقه، یک مدلول التزامی دارد که همان جانشینی اماره نسبت به قطع است؛ ایشان می‌گویند این با عقل هم قابل اثبات است. خبر واحد ثقه به دلالت مطابقی اثبات می‌کند که اماره نازل منزله واقع است، معنای «صدق العادل» این است، یعنی با این معامله واقع بکن، کأنه این دارد واقع را به تو نشان می‌دهد، با این تعبدا واقع را احراز کن، اما عقل هم حکم می‌کند به جانشینی. محقق خراسانی از راه دلالت التزامی و مدلول عرفی وارد شدند، محقق اصفهانی می‌گویند این اصلا حکم عقل است و به دلالت اقتضاء و حکم عقلی فهمیده می‌شود زیرا به نظر عقل اگر تنزیل اول نباشد تنزیل دوم لغو است. عقل می‌گوید اگر این تنزیل دوم نباشد اساسا آن اولی صدورش از مولای حکیم قبیح است. اگر قرار نبود اماره جانشین قطع شود برای چه مولا گفت «صدق العادل»؟ برای چه آن را نازل منزله واقع قرار داد؟ به حسب دلیل حجیت خبر، خبر زراره محرز واقع است، یعنی کأنه «صدق العادل» می‌گوید ایها الناس هرچه زراره گفت، آن را واقع بدانید، این مثل این می‌ماند که واقع را برای شما معلوم کردند، این نازل منزله واقع است. حال اگر بخواهد این بیان لغو نباشد و صدور آن از شارع قبیح نباشد بدون تنزیل دوم فایده ای ندارد. تنزیل دوم چیست؟ اینکه اماره جانشین قطع شود. اگر این دومی نباشد اصلا صدور اولی لغو است. پس به حکم عقل، جانشینی اماره از قطع موضوعی طریقی قابل استفاده است و دوری نیز در کار نیست. لازم نیست که برویم سراغ دلالت التزامی، آن هم البته می‌شود، ولی می‌خواهد بگوید بدون دلالت التزامی عقل ما اساسا می‌گوید همین که شارع ما را متعبد به اماره کرد و گفت «صدق العادل» این معنایش این است که این را نازل منزله واقع قرار داده است. این لازمه اش این است که اماره جانشین قطع و یقین شود و اگر نشود اولی صدورش لغو و بی معناست و این از مولای حکیم صادر نمی‌شود.^۱

«والحمد لله رب العالمین»

^۱ نهایة الدراية، ج ۲، ص ۲۱.